



دکتر سید جلال الدین مدنی

آیت الله کاشانی ومسئله فلسطین...

به سزایی دارد و هرگز نمی تواند دخالت‌های مستقیم و غیر مستقیم خود را در سازمان ملل متحد و سوء استفاده از این سازمان جهانی را در راه ایجاد حکومت تجاوز کار اسرائیل پنهان کند. دولت شوروی نیز به هنگام تاسیس اسرائیل، از اولین دولت‌هایی بود که بر این پایگاه امپریالیستی صحنه گذارد و بلافاصله آن را به رسمیت شناخت. بدین ترتیب دولت غاصب اسرائیل را باید محصول توافق بی شرمانه شرق و غرب دانست. به هنگامی که نطفه این دولت در فلسطین بسته می شد، متأسفانه اغلب کشورهای اسلامی در خواب غفلت و زیر سلطه سیاه استعمار اروپایی بودند و امکان یک حرکت جدی در جهت حمایت از حقوق ملت مظلوم فلسطین و حمایت از کیان امت اسلامی وجود نداشت، با وجود این، عرق اسلامیت و رابطه برادری اسلامی مانع از آن بود که مسلمین جهان در برابر این نقشه استعماری سکوت کنند. از جمله اولین حرکت‌های انقلابی که در کشورهای اسلامی به نفع ملت مظلوم فلسطین صورت گرفت، بدون شک حرکت آیت الله کاشانی در ایران است که فریاد خشم ملت مسلمان ایران را علیه تجاوزات امریکا و انگلیس و صهیونیست‌های ضد بشر بلند کرد. او در شرایطی این حرکت را آغاز نمود که حکومت‌های استبدادی، قدرت سیاسی را در میهنمان در دست داشتند و با تائیداتی که اربابان انگلیسی از این حکومت‌ها می کردند، هر گونه صدای آزادیخواهی را در سینه‌ها خفه کرده بودند. در سال ۱۳۲۶ هجری برابر با ۱۹۴۷ میلادی، صهیونیست‌ها حملات وحشیانه خود را به ساکنین عرب فلسطین شدت بخشیدند و سازمان ملل به دستکاری انگلیس و امریکا، در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ با تقسیم فلسطین، رسماً تاسیس دولت غاصب اسرائیل را اعلام کرد.

اولین اعلامیه در مورد فلسطین در یازدهم دی ماه ۱۳۲۶، در آن ایام تاریک خفقان و استبداد، آیت الله کاشانی که اخیراً از تبعیدگاه خود به تهران مراجعت

مجلس و وزیر و نخست وزیر، قدرت سیاسی را قبضه کردند و چگونه توانستند انقلاب مشروطیت و نهضت ملی ایران را از مسیر خود منحرف سازند و ساقط کنند. مسلمانین توطئه‌های شوم بدون بهره برداری از پایگاهها و شبکه‌های جاسوسی فراماسونری، امکان پذیر نبوده است. استعمارگران برای ادامه تسلط و نفوذ سیاسی خویش به این شیوه‌ها اکتفا نکردند، بلکه حکومت غاصب اسرائیل را به صورت یک غده سرطانی در قلب سرزمین‌های اسلامی، مستقر ساختند تا از این پایگاه بتوانند دائماً آزادی و استقلال و تمامیت ارضی کشورهای اسلامی را تهدید کنند. این حکومت غاصب و اشغالگر، از بدو تاسیس تاکنون، سه بار تهاجم توسعه طلبانه خود را متوجه سرزمین‌های مسلمین کرده و با تجاوزات همه روزه به لبنان، در صدد گسترش سلطه غاصبانه خویش است، دولت امریکا که پیوسته دم از آزادی و حقوق بشر می زند، در این جنایت هولناک، یعنی اخراج مسلمانان از سرزمین آباء و اجدادی خویش، مسئولیت

بدون شک حرکت آیت الله کاشانی در ایران است که فریاد خشم ملت مسلمان ایران را علیه تجاوزات امریکا و انگلیس و صهیونیست‌های ضد بشر بلند کرد. او در شرایطی این حرکت را آغاز نمود که حکومت‌های استبدادی، قدرت سیاسی را در میهنمان در دست داشتند و با تائیداتی که اربابان انگلیسی از این حکومت‌ها می کردند، هر گونه صدای آزادیخواهی را در سینه‌ها خفه کرده بودند.

تشکیل دولت غاصب اسرائیل را باید یکی از توطئه‌های شرق و غرب در مقابل اسلام دانست. اگر امروز ما شاهد تجاوزات بی دریغ اسرائیل به مردم مظلوم فلسطین و مردم مسلمان لبنان هستیم و اگر امروز ابرقدرت‌ها در مقابل اسرائیل موضعگیریهایی مختلفی دارند، نباید فراموش کرد که تمامی ابرقدرت‌های شرق و غرب در ایجاد این پایگاه امپریالیستی در منطقه سهیم هستند. پس از جنگ دوم جهانی، در پناه تبلیغات فراوانی که از جنایات آلمان هیتلری در مورد ملت یهود به راه افتاد، صهیونیست‌های ضد بشر، موقعیت را مغتنم شمردند و با همراهی و پشتیبانی انگلیس و امریکا، مقدمات تجاوز صهیونیست‌های اروپایی و امریکایی را به سرزمین فلسطین فراهم آوردند.

تشکیل دولت اسرائیل نه تنها موجب رضایت خاطر صهیونیست‌ها که از عوامل دیرینه امپریالیسم جهانی بودند، می‌گردد که برای حفظ سلطه استعمار انگلیس در منطقه، پایگاهی نیز محسوب می‌شد. استعمار انگلیس در مقابل امواج خروشان نهضت‌های استقلال طلبی امت مسلمان در سراسر سرزمین‌های تحت تصرف خود قرار گرفت و با احساس اینکه دیر یا زود باید در مقابل اراده خلل ناپذیر مردم مسلمان تسلیم شود، دست به ایجاد پایگاه‌های علنی و مخفی در سرزمین‌های اسلامی زد تا بدین وسیله بتواند نفوذ و سلطه دیرینه خود را حفظ کند و به بازتکرارهایش ادامه دهد. با ایجاد شبکه‌های جاسوسی و فراماسونری در سرزمین‌های مستعمره، از یک سو، سلطه نظامی استعمار به سلطه سیاسی تغییر شکل داد و از آن پس، کشورهای یکی پس از دیگری، استقلال ظاهری خود را به دست آوردند و ارتش‌های اشغالگر از مستعمرات خارج شدند، ولی قدرت سیاسی همچنان در دست استعمارگران و عمال سرسپرده آنان باقی ماند. نگاهی به تاریخ سیاسی کشورمان در یک قرن گذشته نشان می‌دهد که چگونه عوامل سرسپرده انگلیس، در لباس وکیل





است.

دومین تظاهرات به نفع مردم فلسطین

آیت الله کاشانی در سی ام اردیبهشت سال ۱۳۲۷، مجدداً مردم را علیه تشکیل دولت اسرائیل، دعوت به تظاهرات کرد. روزنامه «اد» در شماره ۱۳۴۰-۳۰ اردیبهشت ۱۳۲۷ می نویسد، «روز جمعه در مسجد شاه میتینگ بزرگی داده خواهد شد. مقدمات تظاهرات بزرگی علیه صهیونیستهای فلسطین فراهم شده و قرار است در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر فردا دستجات مختلفی، با صفوف منظم وارد مسجد شاه شده، در این تظاهرات شرکت کنند. از طرف آقای آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی اعلامیه‌ای منتشر شده که طی آن از کلیه مسلمین برای شرکت در این تظاهرات دعوت کرده‌اند، این میتینگ باشکوه بسیار زیاد برگزار گردید و جمعیت انبوهی در آن شرکت کردند. آیت الله کاشانی در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر روز جمعه در این تظاهرات سخنانی را ایراد کرد که در روزنامه اطلاعات دوشنبه سوم خرداد ۱۳۲۷ به شرح زیر درج شده است: «بسم الله الرحمن الرحیم والصلاه والسلام علی خیر خلقه و اشرف انبیاءه محمد و آله الطاهرین، السلام علیکم ورحمت الله و بركاته. اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما بحکمکم. به مضمون آیه شریفه و به جهت اداء وظیفه حتمیه از جانب حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، شمه ای از آنچه راجع به حیات و عظمت و سعادت و کامیابی دنیا و آخرت است، به عرض برادران ایمانی خود می‌رساند. دین مقدس اسلام که ضامن سعادت دنیا و آخرت بشر است به ما تکلیف فرموده که با یکدیگر به رفعت و مهربانی سلوک و رفتار نموده و برای حفظ شئون اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلامی، برادرانه پشتیبانی از هم بنمائیم و به مبنای دین و آئین از خدای یگانه و قرآن و پیغمبر عظیم الشان و پیشوایان دین، سلام الله علیهم اجمعین و معاد ایمان کامل داشته باشیم. چنانچه در این آیه شریفه می‌فرماید، «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق تقاته و لا تموتن الا و انتم مسلمون و اعصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا» همین ایمان به خدا و قرآن، همین ایمان به رسول و مبنای دین و تعالیم عالییه و دستورات اخلاقی و اجتماعی اسلام بود که در صدر اسلام، روح یگانگی و برادری و برابری و شهادت را در مسلمین به حدی دمید و تقویت نمود که از صحرای خشک عربستان، بیرق لاله الا الله، محمد رسول الله را بر دوش بی‌آلایش خویش و بر قلب ملل عالم کوبیدند. از یک طرف تمام آسیا را در مدت کمی تسخیر نموده و از عراق عرب و ایران و هندوستان گذشته، به چین و به جزائر پراکنده اقیانوسیه و به اروپا و روم و اسپانیا نفوذ نموده و از طرفی شام و مصر و مراکش و الجزایر و سراسر افریقای شمالی را مسخر نموده تا نزدیک پاریس، یعنی قلب کشور فرانسه تاختند و همه را تحت سیطره خود در آورده و مطیع خود ساختند و در نتیجه همین ایمان به خدا و رسول در سایه همان برادری و اتحاد و یگانگی و اتفاق بود که پشت بزرگ ترین امپراطوریهای جهان را به لرزه در آورده و بر سراسر دنیای متمدن آن زعمان تسلط یافته و تاج از سر آنها برداشته و باج گرفتند. متأسفانه در نتیجه تحولات و پیدایش

کنند. در هر صورت، تشکیل دولت صهیونیستی، در آتیه، کانون مفاسد بزرگ برای مسلمین خاورمیانه و بلکه تمام دنیا خواهد بود و زیان آن تنها متوجه اعراب فلسطین نمی‌گردد و علی‌ای حال بر تمام مسلمین عالم است از هر طریقی که می‌شود از این ظلم فاحش جلوگیری نموده و رفع این مزاحمت را از مسلمین فلسطین بنمایند.

خادم الاسلام و المسلمین: سید ابوالقاسم کاشانی
۱۱/۱۲۲۶ هجری شمسی

اولین تظاهرات به نفع ملت فلسطین

آیت الله کاشانی به صدور این اعلامیه اکتفا نکرد و به رغم محیط خفقان، مردم مسلمان را دعوت به تظاهرات به نفع مردم فلسطین کرد. در روز یکشنبه ۲۰ دی ماه ۱۳۲۶، بیش از سی هزار نفر از مردم تهران، به دعوت آیت الله کاشانی، در مسجد امام خمینی (مسجد شاه سابق) اجتماع کردند، ولی دولت وقت که از فعالیت سیاسی و مذهبی آیت الله کاشانی بیمناک بود با توسل به زور و قوای انتظامی از سخنرانی آیت الله کاشانی در این میتینگ باشکوه ممانعت کرد و در نتیجه، خطیب معروف، آقای فلسفی به منبر رفت و اظهار داشت، «ما برای آن در اینجا جمع شده ایم که با مسلمین ابراز همدردی کنیم و قصد آزار احدی را نداریم و یهودیان ایران نیز تحت حمایت ما هستند و کمترین گزند ی نباید به آنان برسد.» و سپس اعلام نمود که به منظور جمع آوری اعانه برای کمک به مسلمین پاکستان و فلسطین، حسابی در بانک ملی افتتاح شده است.

ابوالقاسم یمینی، یکی از کسبه بازار، که از قبل از شهریور ۲۰ در جریان مبارزات درمعبیت آیت الله کاشانی بوده است می‌گوید، «رئیس شهربانی وقت، سرلشکر ضرابی، در جلوی مسجد شاه، از آیت الله خواهش و به او التماس می‌کرد که از سخنرانی خودداری کند و بالاخره با اوضاع و احوالی که به وجود آوردند، مانع از ایراد سخنرانی ایشان شدند.» در همین اثنا، عده‌ای از عمال دولت می‌خواستند با ایجاد اغتشاشاتی علیه یهودیان ایران، مبارزات آیت الله کاشانی را مخدوش سازند و به همین جهت آیت الله کاشانی اعلامیه‌ای صادر کردند که اقلیت‌های کلیهی و مسیحی و غیره تحت حمایت دولت و مردم مسلمان هستند و هیچ کس حق ندارد به آنها آسیب و زیانی وارد کند. متن این اعلامیه به دست من رسیده است، ولی عبدالرحمن فرامرزی هم در مقاله‌ای که در مهر ماه سال ۱۳۴۸ در مجله یغما منتشر کرد، به این قضیه اشاره کرده



در سال ۱۳۲۷ وقتی که آیت الله کاشانی با همراه گروهی چون فدائیان اسلام، مبارزات را تشدید می‌نمود و در جبهه داخلی هم با نیروی عظیم ملت مسلمان می‌رفت که قدرت دولتهای مطیع سیاست انگلستان را در هم بکوبد و به نفت خوری این استعمارگر کهن، پایان بخشد، ناکهان حادثه تیراندازی به شاه را در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ به وجود آوردند و عامل اصلی را آیت الله کاشانی شناختند و شبانه این شخصیت بزرگ روحانی را به قلعه فلک الافلاک و از آنجا به لبنان تبعید نمودند.

کرده بود، سکوت مرگباری را که بر فضای میهن ما سایه افکنده بود، شکست و با صدور اعلامیه‌ای، به تمام مسلمین جهان، در مورد تشکیل دولت غاصب اسرائیل اعلام خطر کرد. مرور این اعلامیه، امروز پس از گذشت ۳۴ سال پیش‌بینیهای آن رهبر مجاهد را ثابت می‌کند. در این اعلامیه چنین آمده است:

بسم الله الرحمن الرحیم

پس از جنگ جهانسوز دوم، گمان می‌رفت دول بزرگ عالم از آن همه فجایع و آن همه اتلاف نفوس و اموال و خرابیها و بیچارگیهای بشری که سالهای دراز جبران‌پذیر نیست، پند و عبرت بگیرند و به جبران وقایع گذشته، برای ایجاد عدل و داد و کندن ریشه ظلم و فساد و جلوگیری از جنگ جهانی دیگر، تشکیل سازمان ملل متفق داده که از حقوق و آزادی ملل و دول ضعیف حمایت و پشتیبانی نماید چنانچه در اثنای جنگ با انواع و اقسام مختلف به این تبلیغات عموم ملل را امیدوار می‌نمودند. ولی متأسفانه از رفتار بر خلاف انصاف و مروت سازمان ملل درباره آندونی، مصر و فلسطین، خلاف آن ظاهر شده و امید ملل ضعیف مبدل به یاس گردیده است. معلوم نیست وطن بودن فلسطین برای مهاجرین یهودی آلمانی و روسی و آمریکائی و غیره مطابق کدام منطق و قانون است؟ که رای به تقسیم آنها می‌دهند؟ اگر می‌خواهند صهیونیستها آرا از خود راضی کنند و استفاده‌هایی که منظور است از آنها بنمایند، در مملکت خود به آنها جا بدهند و آنها را مستقل





سیاستهای بوقلمونی جهان و به خصوص بر روی کار آمدن حکومتی جبار و تبهکار و نفوذ سیاست و مداخلات خانثانه استقلال شکنانه شوم استعماری، زنجیر اتحاد و یگانگی آن معنویت و برادری و برابری را که اسلام به دور خود کشیده و با نیروی ایمان، دانه‌های محکم آن را به هم متصل و پیوسته نموده بود، از یکدیگر گسیخته و خاک ذلت بر سر مسلمین عموماً ریختند.

برادران عزیز مسلمان! امروز بیش از همه چیز به اتحاد و برابری و بگرنگی و صمیمیت احتیاج داریم، چنانچه خداوند می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه و لاتتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین» باید با ایمان به مبدء حق و حقیقت و در سایه تعالیم اسلامی، سعی کنیم ریشه‌های فساد و بدبینی را از بیخ و بن برکنیم و خود را مشمول آیه «ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص» بداریم. خداوند تبارک تعالی کسانی را که در راه او فداکاری می‌کنند و دسیسه‌های کفر در آنها رخنه ندارد، دوست دارد، و تقویری برای مسلمین تعیین نکرده و نقطه‌ای سرزمین کینین واحد یند بعضا بعضا یعنی مسلمانان مانند اجزاء یک ساختمانند که یکدیگر را نگاهداری می‌نمایند. اسلام حدود و تقویری برای مسلمین تعیین نکرده و نقطه‌ای سرزمین معینی را برای آنها و تقویر قرار نداده است و همه مناطق و ممالک اسلامی، وطن مسلمین است و بر مسلمانان لازم نموده است که اگر چنان که برای برادران مسلمان زحمت و مشقتی پیش آید، بگویند و به کمک یکدیگر رفع نگرانی از خود بنمایند. اسلام با تمام قوا بر آن بوده است که مسلمین اختلافات را کنار گذارند و متفقا در باری و استعانت یکدیگر جدیت نمایند. و به مضمون آیه، «واعتصموا بحبل الله» کمرهت بر میان بندند. این مصیبتی که اخیرا برای برادران مسلمان فلسطین پیش آمده و ایرانیان را برای همدردی و اظهار تاجر در این مکان کرد هم جمع آورده، منشاء آن حس برادری و عواطف دینی و اسلامی است که همه متحدا تاجر و تالم خود را با قلبی آزرد و خاطری پریشان به سمع عموم مسلمین دنیا می‌رسانیم. چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوا را نماند قرار

اکنون که باعث تهییج احساسات مردم ایران و اجتماع عمومی شده است، به سمع آقایان محترم می‌رساند، چنانچه در اخبار روزانه مشاهده کرده اید، بعضی دول، بدون مجوز قانونی، فلسطین را که مراکز مقدسه اسلام و محل مسجد اقصی که قبله مسلمین می‌باشد و سالیان دراز وطن و مسکن مسلمانان به شمار می‌رفت و بر آن حکومت می‌کردند و در طی صدها سال جنگهای خونین صلیبی و دادن میلیونها کشته، نتوانسته اند این سرزمین مقدس را از دست مسلمین به در آورند، وطن صهیونیستهای که از نقاط مختلفه عالم به آنجا مهاجرت کرده، شناخته‌اند، در صورتی که حکومت اسلام از قدیم الایام بر فلسطین حتی ثابت است و مسلمین دنیا، به خصوص ملت مسلمان ایران چنین اجازه‌ای را نمی‌دهند که صهیونیستها، به این حق ثابت دست تعدی دراز نموده و با جنگالهای آلوده

به فساد و ظالمانه، برادران مسلمان ما را در هم ریخته و خون آنان را بی‌رحمانه بیرزند. در این مورد است که پیغمبر اکرم می‌فرماید، «من اصبح ولم یهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم». یعنی کسانی که صبح کنند و در اهتمام برادران مسلمان خود نباشند، از اسلام بهره ندارند. برادران مسلمان ایران باید بگویند در این هنگام که سخت ترین مصائب بر برادران مسلمان شما رخ داده، از آنها حمایت نمایند و با تمام موارد، به کمک و استعانت آنها قیام

کنند. تمام مردم ممالک اسلامی، هر یک به نوبه خود، از کمک مالی و جانی به مردم بی‌پناه فلسطین و از همدردی دریغ ننموده و فداکاری کرده‌اند. تمام ممالک اسلامی دنیا وطن ماست و ما نیز با تمام قوا جانا و مالانسیه به سهم خود باید از آنها حمایت کنیم و در حفظ منافع و مصالح عالیه مسلمین کوتاهی ننماییم. ما به شهدای مسلمین فلسطین، به خصوص سیدعبدالقادر الحسینی، شهید راه اسلام، درود فرستاده و به احترام ارواح پاک آنان یک فاتحه می‌خوانیم. البته خاطر محترم آقایان مستحضر است صهیونیستهایی که در فلسطین باعث این همه ظلم و جنایت شده‌اند، کسانی هستند که از نقاط مختلف عالم به آنجا مهاجرت کرده‌اند و یهودیانی که در ذمه اسلام، یعنی تحت حمایت دولتهای اسلامی زندگی می‌کنند، از حیث جان و مال در امان می‌باشند. در خاتمه از مسلمانان ایران تقاضای همه گونه کمک مادی و معنوی برای برادران ستمدیده فلسطین می‌شود و برای این منظور حسابی در بانک ملی ایران مرکز و شعبه بازار به نام «اعانه فلسطین» باز شده است. انتظار می‌رود برادران دینی از هر گونه مساعدت و بذل همراهی مالی درباره مسلمانان کوتاهی و مضایقه نمایند.

در پایان سخنرانی، آیت الله کاشانی، قطعنامه‌ای در شش ماده صادر گردید که مورد تأیید عموم قرار گرفت. اعلام آمادگی مردم مسلمان ایران برای رفتن به فلسطین پس از برگزاری این تظاهرات و بیانات آیت الله کاشانی که از

وقتی که آیت الله کاشانی با همراه گروهی چون فدائیان اسلام، مبارزات را تشدید می‌نمود و در جنبه داخلی هم با نیروی عظیم ملت مسلمان می‌رفت که قدرت دولتهای مطیع سیاست انگلستان را در هم بکوبد و به نفت خورای این استعمارگر کهن، پایان بخشد، ناگهان حادثه تیراندازی به شاه را در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و وجود آوردند و عامل اصلی شخصیت بزرگ روحانی را به قلعه فلک الافلاک و از آنجا به لبنان تبعید نمودند.

مردم خواسته بود جانا و مالا به مرد فلسطین کمک نمایند، از طرف فدائیان اسلام، اعلامیه‌ای به شرح زیر صادر شد: هوالعزیز نصر من الله و فتح قریب خونهای پاک فدائیان رشید اسلام در حمایت از برادران مسلمان فلسطین می‌جوشد. پنج هزار نفر از فدائیان اسلام عازم کمک به برادران مسلمان فلسطین هستند و با کمال

شتاب از دولت ایران اجازه حرکت سریع به سوی فلسطین را دارند و منتظر پاسخ سریع دولت می‌باشند.

از طرف فدائیان اسلام

سیدمجتبی نواب صفوی

روز یکشنبه دوم خرداد ۱۳۲۷، این جوانان پرشور در منزل آیت الله کاشانی اجتماع کردند و با کمال بی‌تابی، آماده حرکت به فلسطین بودند. ولی دولت از این اقدام جلوگیری کرد. نامه آیت الله کاشانی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای افشای جنایات صهیونیستها و ابرقدرتهای حمایت کننده آنان، از طرف آیت الله کاشانی، نامه‌ای به سازمان ملل متحد نوشته شد که بخشی از آن به شرح زیر است:

«یک عده مهاجر، با کمک و اسلحه دول موفق شدند اعراب را از یک قسمت از سرزمین فلسطین که خانه آنها بود و قریها در آنجا مای داشته‌اند، بیرون رانند و اگر دول معظمه اطمینان به اغماض و چشمپوشی سازمان از این تجاوز و حقیقتی نداشتند، مرتکب چنین جنایتی نمی‌شدند. اینک میلیونها مردم مسلمان جهان چشم به راه تصمیمات سازمانند که از این تعدیات جلوگیری نمایند و اجازه ندهند اسلحه و پول بعضی از اعضای آن سازمان به نفع اقلیتی کوچک و به ضرر ساکنین یک قسمت از خاک شرق به کار برده شود.»

ملاحظه می‌شود در سالهای ۱۳۲۶ و ۲۷، ملت ایران در حالی به حمایت از ملت مسلمان فلسطین به پا خاسته که بسیاری از کشورهای جهان سوم در زیر سیطره مستقیم استعمار دست و پا می‌زدند و هنوز به استقلال ظاهری نائل نیامده بودند. مردم ما در زمانی فعالیت ضد صهیونیستی را آغاز نمودند که هنوز غالب کشورهای عربی توانائی ابراز وجود نداشتند و این مسئله به خوبی خط مستقیم اسلام را در این منطقه نشان می‌دهد. در سال ۱۳۲۷ وقتی که آیت الله کاشانی با همراه گروهی چون فدائیان اسلام، مبارزات را تشدید می‌نمود و در جنبه داخلی هم با نیروی عظیم ملت مسلمان می‌رفت که قدرت دولتهای مطیع سیاست انگلستان را در هم بکوبد و به نفت خورای این استعمارگر کهن، پایان بخشد، ناگهان حادثه تیراندازی به شاه را در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و وجود آوردند و عامل اصلی را آیت الله کاشانی شناختند و شبانه این شخصیت بزرگ روحانی را به قلعه فلک الافلاک و از آنجا به لبنان تبعید نمودند. بعد از مراجعت از این تبعید و اجگیری نهضت ملی شدن صنعت نفت، آیت الله کاشانی دریافت که مقابله با استعمارگران، بایستی با وحدت ملل مسلمان انجام گیرد تا تجاوزاتی مثل اشغال فلسطین اسلامی به وجود نیاید و بنابراین در زمانی که در جهان اسلام و در کشورهای عربی از اعتبار و قدرت بسیار برخوردار بود، طرح وحدت کشورهای اسلامی را ریخت و با سرعت، مقدمات تشکیل کنگره اسلامی را در تهران فراهم می‌کرد که همه چیز عوض شد و چهره کره استعمار در شکل دیگری ظاهر گردید.

برادران مسلمان عرب مادر کشورهای اسلامی باید آگاه و بیدار باشند و بدانند ایران اسلامی با نیروی ایمان و در زیر پرچم پروتان و همیشه پایدار اسلام، همواره پیوند عمیق خود را با مسلمانان جهان در هر گوشه‌ای که می‌زیستند، حفظ نموده است. تقویت اسلام و وحدت مسلمانان، بدون در نظر گرفتن زبان و نژاد و قومیت، جهت تفکر بزرگان و پیشوایان روحانی این سرزمین بوده است. ما انتظار داریم دانش و فریبکارهای عاملین استعمار که برای پراکندگی و جدایی مسلمانان به طور مستمر کوشش می‌کنند بلااثر بماند و اکنون که نیروی اسلامی حاکمیت ایران را به دست گرفته و یکی از پرهیجان ترین لحظات تاریخ در جریان است، با بیداری همه مسلمانان، این سنگر به دست آمده حفظ شود و اجازه ندهند قدرتهای بزرگ، ضربات تبلیغاتی و عملیات تخریبی خود را از طریق کشورهای با عنوان اسلامی به ایران وارد سازند.